

گفت و گو با نویسنده کتاب «تحلیلی بر عملیات رمضان»، سرتیپ دوم نصرت‌الله معین وزیری

احتیاط نداشتیم

بدون اغراق تمامی فرماندهان ارتشی و سپاهی که امروز افتخار خدمت در نیروهای زمینی کشورمان را دارند، امیر نصرت‌الله معین وزیری را می‌شناسند. این امیر بزرگوار که از سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون در دانشکده‌های فرماندهی و ستاد ارتش و سپاه، آموخته‌های تئوری و عملی خود را به نسل جدید فرماندهان منتقل می‌کند، خود جزو تیم طراحی عملیات‌های طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس و رمضان بوده است. ایشان پس از پایان جنگ عملیات‌های مهم جنگ تحمیلی را با تحلیلی علمی، بررسی کرده‌اند که کتاب «تحلیلی بر عملیات رمضان» یکی از این کتاب‌هاست. برای بررسی و تحلیل عملیات رمضان به پژوهشگاه علوم و دفاع مقدس وابسته به بنیاد حفظ آثار ستاد کل نیروهای مسلح رفتیم و ایشان بدون تعصب و با نگاهی حرفه‌ای نظر اتشان را بیان کردند.

فرق دارد. انگیزه میهنی‌اش زیاد است؛ منتها جنگ است و باید در هر شرایطی مأموریت اجرا شود. ما باید مسائل این عملیات را تک تک بررسی کنیم. اما در نگاه کلی طراحی مشکل آن چنانی‌ای نداشت.

تیم طراحی همان تیم طراحی عملیات‌های قبلی بودند؟

بله، همان‌ها بودند.

ما به علت کمبود صفحات نمی‌توانیم تک‌تک این اصول جنگ را بررسی کنیم اما برای مثال می‌توانیم اصل هدف را مورد بحث قرار دهیم. در این اصل گفته می‌شود تمام تلاش‌ها باید برای دستیابی به یک هدف مشخص و قابل دسترس باشد. حالا این هدف، یا تصرف یک منطقه جغرافیایی است یا نابودی واحدهای نظامی دشمن. آیا این اصل رعایت شده بود؟

در دستورات عملیاتی این عملیات به واحدهای عمل کننده گفته بودند که «تک کنید، ساحل شمالی و شرقی شط العرب (رودی که از تلاقی دجله و فرات است و تا قبل از الحاق به رود کارون ایران شط العرب و پس از آن اروندرود نام دارد) را تصرف و در منطقه پدافند کنید.» این جمله معنی دارد، معنی‌اش هم کاملاً روشن است. اما اگر فقط بگویند تک کنید! باید پرسید تک کنیم چه کار کنیم؟ به کجا برویم؟ تا کجا برویم؟ حتی اگر بگویند تک کنید و دشمن را منهدم کنید، پشت سرش باید یک جمله دیگر باشد و الا غلط است، یعنی مأموریت ناقص است. تا کجا این دشمن را منهدم کنیم؟ باید یک عامل محدود کننده به این جمله اضافه کنید؛ یعنی بگویید تک کنید، دشمن را در منطقه منهدم کنید. حد پیشروی، رودخانه شط العرب. این مأموریت کامل و مشخص است. پس جمله تک کنید، ساحل نزدیک رودخانه شط العرب را تصرف و در امتداد آن پدافند کنید، یک مأموریت مشخص و روشن بود.

همچنین هدف ما باید باززش هم باشد، یعنی قطعی و سرنوشت‌ساز هم باشد. خوب، اگر ما می‌رسیدیم به ساحل شط العرب چه بهتر از این، کمر نیروهای مسلح عراق را می‌شکستیم، از آن جهت که بصره تهدید می‌شد و آثار سیاسی و نظامی آن خیلی ارزشمند بود. مادر صورت پیروزی در عملیات رمضان ممکن بود به خیلی از خواسته‌های سیاسی خود برسد.

سرتیپ ۲ معین وزیری با اینکه سال‌هاست بازنشسته شده، هنوز در دانشکده فرماندهی و ستاد برای افسران منتخب برای فرماندهی تدریس می‌کند



اما در همین اصل آمده که هدف باید قابل دسترس هم باشد. آیا ما توان دسترس‌ی به این هدف را داشتیم؟ اهداف به نظر کمی بلندپروازانه است.

این بحث محاسبات عدیده‌ای دارد؛ یکی از آنها توان رزمی ملموس است که ببینیم میزان نیروهای فیزیکی ما و دشمن چه نسبتی با هم دارند. در محاسباتی که انجام گرفته و در کتاب من نیز منعکس شده مشخص است که در مجموع، ما بر دشمن از نظر توان رزمی ۱/۷ به ۱ برتری داشتیم؛ در واقع یعنی قابل دسترس بود.

من این آمار را دیدم ولی تا آنجا که من می‌دانم مثلاً گردان تانک ما اسما گردان بود ولی استعداد واحدهای عراقی تقریباً کامل بود. این رقم شما کمی خوشبینانه نیست؟

در بست است. گردان‌های تانک عراق هر کدام ۴۳ تانک داشت ولی گردان‌های تانک ما ۱۷ تا ۲۰ تانک بیشتر نداشت. اگر ما بخواهیم این جور محاسبه کنیم کار خیلی مشکل می‌شود. ما از نظر یگانهای پیاده بر دشمن برتری قاطع داشتیم. یک بعد دیگر هم بحث عوامل غیر فیزیکی توان رزمی است؛ عواملی مثل ایمان، انگیزه، عرق و آموزش. مادر این زمینه پیش بودیم. این موارد کمی نیست و کیفی است. تجربه جنگی فرمانده است که نشان می‌دهد زورش بر دشمن می‌چربد یا نه. مثلاً با اینکه گردان‌های سپاه از نظر تعداد از گردان‌های پیاده ارتش عراق کمتر بود اما اینها از نظر کارایی و توانایی واقعا بر گردان‌های عراقی برتری داشتند؛ البته به خاطر مسائل ایمانی و شهادت‌طلبی نیروهای داوطلب مردمی. عملیات هم شبانه بود. در تک شبانه پیاده است که تعیین کننده است و تانک در شب زیاد کارایی ندارد.

اما همان بحث اول مصاحبه پیش می‌آید. ارتش عراق بسیار با شدت می‌جنگید چون در خاک خودش می‌جنگید. تعداد کم اسرایش هم مؤید این مسأله است.

مگر مادر فاو با همین سرباز عراقی نجنگیدیم و آنها را منکوب کردیم؟ با این وصف قبول دارم که روحیه عراقی هادر خاک خودشان قوی تر بود. **بله، اما من فکر می‌کنم پیروزی صادر فاو به خاطر غافلگیری بود. وقتی اثر غافلگیری از بین رفت، ارتش عراق جلوی ما را سد کرد و ما هر چه کردیم نتوانستیم به بصره نزدیک شویم. آخرش هم فاو برای ارتش عراق عقده‌ای شد که در نهایت آن را پس گرفت.**

نه، بحث نگهداری فاو فرق می‌کند. مادر فاو خودمان مقصر بودیم. آنجا راه‌ها کردیم و نیروهایمان را بر دیم در حلیجه. مشکل از آنجا بود. هم فاو راه‌ها کردیم و هم مجنون را. باید همیشه فکر می‌کردیم که عراق در فکر بازپس‌گیری است. عراق ما را در استقرار نیروها فریب داد؛ یعنی وقتی در حلیجه وارد عمل شدیم کسی نگفت که این لشکرهای گارد جمهوری کجا هستند؟ لشکرهای حمورابی و مدینه کجا هستند؟ در حالی که آنها مشغول آماده شدن برای بازپس‌گیری فاو و مجنون بودند.

به بحث رمضان برگردیم. شما گفتید که ما در عوامل غیر فیزیکی توان رزمی، بر عراق برتری داشتیم، درست است؟

بله، بعد از اینکه کیفیت توان رزمی مشخص شد، یک سری بحث‌های دیگر علاوه بر عوامل غیر فیزیکی پیش می‌آید. شما باید بتوانی با استفاده از عوامل برتر ساز توان رزمی، از جمله زمین و طرح‌های فریب و خیلی عوامل دیگر، توان خود را بالاتر ببری. عراق در این زمینه از ما بهتر عمل کرد. عراق با توان بالای مهندسی خودش و با استفاده از سیستم سد موانع از جمله مثلی‌ها، قرارگاه فجر ما را - که نیروهایش از نیروهای عراقی بیشتر بود - زمین گیر کرد. بالعکس سیستم مهندسی ما توان آن را نداشت که در جناح قرارگاه فتح که حدود ۲۰ کیلومتر جلورفته بود خاکریز بزند. اگر ما تا منطقه نهر کتیبان را حفظ می‌کردیم، امتیاز مهمی را کسب کرده بودیم.

لیدل هارت، نویسنده و نظریه پرداز مشهور انگلیسی می‌گوید

